

سریال
«کنکل» زیر
ذره بین میز نقد
روزنامه صبا

سرقت در مرز

باریک فرم و معنا

خلافکارهای دوست داشتنی کنکل

زهرا طاهریان
گفت و گو

سریال «کنکل» به کارگردانی رامتین لوافی پور از همان ابتدا با ترکیبی از بازیگران شناخته شده و روایتی متفاوت از یک سرقت گروهی، توجه مخاطبان را به خود جلب کرد؛ با این حال،

واکنش‌ها به این سریال یکدست نیست. فرزانه متین، مصطفی مرشدلو و حسام فروزان در گفت‌وگوهای جداگانه، هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به «کنکل» نگاه کرده‌اند؛ از نقاط قوت آن در فرم، بازی‌ها و ساختار روایی گرفته تا انتقاد از شخصیت‌پردازی، جهان اثر، انگیزه‌های شخصیت‌ها، منطق سرقت و حتی هویت ژانری سریال. مجموعه این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد «کنکل» اگرچه در برخی وجوه توانسته تجربه‌ای متفاوت ارائه دهد، در عبور از جذابیت‌های ظاهری و رسیدن به انسجام روایی و معنایی، همچنان با نقدهای جدی مواجه است.



حسام فروزان، منتقد سینما:

خلافکارهای دوست داشتنی و یک بازی تازه با ژانر جنایی

سریال «کنکل» اولین سریال آقای رامتین لوافی است. ما پیش از این چند فیلم متفاوت از ایشان دیده بودیم، اما «کنکل» با اتفاق عجیبی در روند پخش مواجه شد؛ یکبار پخش شد و ادامه پیدا نکرد و بعد از مدتی، از یک پلتفرم دیگر دوباره از قسمت اول منتشر شد. فکر نمی‌کنم تا به حال چنین اتفاقی برای یک سریال افتاده باشد. شما در بخش اول سریال چه ارزیابی‌ای داشتید؟

من بخش اول کار را دوست داشتم. به نظرم کار متفاوتی است و در آن شاهد یک تلفیق ژانری هستیم. در ابتدا فکر می‌کنیم بایک درام جنایی، پلیسی متعارف مواجه هستیم، اما در ادامه، مایه‌های کمدی و ابزورد هم به آن اضافه می‌شود و در طول قسمت‌های بعدی نیز همین رفت‌وآمد میان ژانرها را می‌بینیم.

داستان درباره یک دزدی از یک کارخانه است و تا حدودی می‌راید «یازده یار اوشن» انداخت؛ از لحاظ اکشن و ماجرا. به نظرم کار متفاوتی بود که حالا در پخش مجدد دیده می‌شود.

یکی از نقاط قوت سریال هم، همان‌طور که اشاره کردیم، شخصیت‌پردازی است. شخصیت‌های خاص و متفاوتی دارد که هرکدام رنگ‌آمیزی و ویژگی‌های خودشان را دارند و شبیه یکدیگر نیستند. این به نظرم یکی از نقاط قوت سریال است. استفاده از بازیگران حرفه‌ای و چهره‌هایی که شاید تا امروز با چنین ترکیبی در یک سریال کنار هم ندیده بودیم هم به این موضوع کمک کرده است. در مجموع، کار ریتم خوبی دارد و حوصله تماشاگر سر نمی‌رود. یک طنز هوشمندانه و زیرپوستی دارد و یکی از کارهای جالبی که انجام می‌دهد این است که به تماشاگر رودست می‌زند. خیلی جاها فکر می‌کنیم داستان را فهمیده‌ایم، اما ناگهان یک شخصیت کاری انجام می‌دهد که اصلاً انتظارتان را نداشته‌ایم. این هم به نظرم نقطه قوت سریال است.

یکی از ویژگی‌های «کنکل» این است که قرار نیست با قهرمان‌های کاملاً سفید یا ضدقهرمان‌هایی با وجوه کاملاً سیاه مواجه باشیم. به نظر شما این رویکرد توانسته سریال را نسبت به دیگر سریال‌های پلتفرم‌ها متمایز کند؟

بله، به نظرم ما با قهرمان متعارف یک سریال پلیسی مواجه نیستیم. این‌ها یک‌سری آدم‌های عادی هستند و یک سری ضدقهرمان بامزه خلق شده‌اند که تماشاگر با آن‌ها همذات‌پنداری می‌کند و حتی دلش می‌خواهد این‌ها برنده شوند. نقشه‌شان بگیرد و پلیس آن‌ها را دستگیر نکند.

این به نظرم در سریال‌های ایرانی سابقه نداشته و شخصیت‌پردازی‌ای که انجام شده هم به این موضوع کمک کرده است. مثلاً صابر ابر یا پدرام شریفی

شخصیت‌های خاصی خلق کرده‌اند که به این جریان کمک می‌کند و تماشاگر دوستشان دارد. خلافکارهای دوست‌داشتنی خلق شده‌اند؛ باز هم شبیه «یازده یار اوشن».

جالب اینجاست که تم سریال صرفاً پلیسی نیست، بلکه درباره رفاقت، صمیمیت و همراهی هم هست. حتی کل کل‌های فوتبالی را داریم. در یک صحنه، مثلاً شخصیت‌ها در شرایطی هستند که مسئله برایشان حکم مرگ و زندگی دارد، اما ناگهان می‌بینیم درباره فوتبال با هم کل کل می‌کنند. یک فضای ابزورد، همراه با شوخی و دیالوگ بامزه، خلق شده که به نظرم نقطه قوت سریال است.

اگر بخواهم نقد بی‌رحمانه داشته باشم، سریال، علیرغم مزایایی که دارد، ریتم خوبی دارد، موسیقی جذاب و صحنه‌های تعقیب و گریز خوبی دارد، اما اگر نتواند همه این‌ها را به یک جمع‌بندی برساند و به نتیجه‌ای رضایت‌بخش ختم کند، خیلی از ارزش‌هایش از دست می‌رود.

○ از صابر ابر، هانی‌توسلی، ستاره پسیانی و مهدی پاکدل، از نظر بازیگری و نسبت این نقش‌ها با کارنامه قبلی این بازیگران، چه نکته‌ای در «کنکل» برایتان برجسته‌تر است؟

به نظرم مثلاً صابر ابر در نقش ایی جندقی، با لحن خاصی که برای حرف زدن انتخاب کرده و کلک‌های بی‌خودی که می‌زند و به چیزهای حاشیه‌ای گیر می‌دهد، شخصیت جالب و بامزه‌ای از کار درآورده است. فکر می‌کنم چنین چیزی را از صابر هم تا به حال ندیده بودیم.

ویژگی سریال این است که شخصیت‌های متفاوتی خلق کرده که هرکدام رنگ و بوی خودشان را دارند.

پدرام شریفی هم خوب است؛ با آن لحن و آدامس جویدن‌های پشت سر هم و یک حالت شوخ‌طبعی تلخی که نسبت به دنیا دارد.

این‌ها در کنار ستاره پسیانی، مثلاً وجه کمیک کار را شکل می‌دهند و مهدی پاکدل باید در واقع با کمک هانی‌توسلی، یک مقدار وجه جدی‌تر به کار بدهند تا سریال کاملاً در دام کمدی نیفتد؛ کمدی دیالوگ‌وار و این چنینی. به نظرم تلاش شده این تعادل حفظ شود و می‌توانیم این را به عنوان یکی از مزیت‌های سریال ذکر کنیم.

به نظرم برای کار اول یک فیلم‌ساز، در حوزه سریال شبکه نمایش خانگی، کار خوبی است. شاید انتظار نداشتیم اولین سریال کارگردان جوان سینما این قدر خوب، سریا، فکر شده و متفاوت باشد.

این سریال یک نوع روایت و درام تازه پیشنهاد می‌دهد به پلتفرم‌های ایرانی که شاید خوب باشد بقیه هم به آن توجه کنند. جسارتی که این سریال برای امتحان مضمون‌های تازه و خلق شخصیت‌های عجیب و غریب دارد، خوب است.

حتی اسم سریال هم که «کنکل» است، در ابتدا برای خیلی‌ها کنجکاوی ایجاد کرده بود که چطور قرار است چنین اسمی داشته باشد. اگر منظور همان کلمه «کنسل» باشد که در فضای مجازی و در زبان نسل زد می‌گویند «کنکل»، این یک شوخی با این کلمه است و سریال دارد می‌گوید که اصلاً همه چیز یک جور شوخی است.

